



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تفسیر قرآن کریم

جلد ۳

همراه با پرسش و پاسخ

توسط استاد فرزانه

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی

سورة بقره آیه ۲۸

مجتمع فرهنگی، مذهبی هیئت قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن کریم سوره بقره

نویسنده:

مهدی فقیه امامی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- تفسیر قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸ جلد ۳ ۶
- مشخصات کتاب ۶
- مقدمه ۶
- تفسیر ۶
- سوالات حضار در جلسه ۱۱
- ۱- در آیه آمده است که كُنْتُمْ أَمْوَانًا فَأَخْيِكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ با فاء عطف شده و سپس با ثم یا در آیه دیگر فرموده هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَأَجْزَاءَهَا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ثُمَّ يَرْجِعُكُمْ إِلَيْهِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 ۲- كُنْتُمْ أَمْوَانًا فَأَخْيِكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اول موت مقدم است و بعد حیات چرا؟ ۱۱
- ۳- آیا آیه (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) دال بر وحدت وجود و یکی بودن ما با خدا نیست؟ ۱۱
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۲

تفسیر قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸ جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲

عنوان و نام پدید آور: تفسیر قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸ جلد ۳ همراه با پرسش و پاسخ / سید مهدی فقیه امامی.

متن سخنرانی جلسه تفسیر حجه الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی در مجتمع فرهنگی، مذهبی قائمیه اصفهان

۱۳۹۲/۰۴/۲۱

سوم رمضان المبارک ۱۴۳۴

ناشر چاپی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه، رایانه و کتاب

موضوع: قرآن کریم

مقدمه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ثم الصلوة و السلام علی سیدنا احمد حبیب اله

لعالمین ابا القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین سیما بقیة الله فی الارضین روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه

الفداء واللجنة علی اعدائهم و مخالفیهم و غاصبی حقوقهم و منکری فسادلهم و مناقبهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

جهت خوشنودی آقا امام زمان حجت بن الحسن و تعجیل در فرج آن حضرت صلواتی عنایت بفرمایید!

شام جمعه است جهت خوشنودی ارواح مومنین و مومنات و همه گذشتگان از شیعیان آقا امیرالمومنین صلوات دوم را جلی تر ختم

بفرمایید.

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

سید مهدی فقیه امامی

سوم رمضان المبارک ۱۴۳۴

تفسیر

چگونه بخدا کافر میشوید (فرمان او نمیبیرید) در حالی که مرده و بی جان بودید، پس شما را زنده کرد باز بمیراند پس از آن

زنده تان میگرداند، پس از آن بسوی او شما را باز میگرداند

پس از آیات گذشته که به صورت مختصری به عرض عزیزان تفسیر آن را گذرانیدیم در مورد این آیه شریفه که خداوند توبیخ

میکند کسانی را که انکار میکنند آن وجود مقدس را و می فرماید چگونه است که شماها به وجود خداوند کافر میشوید در حالی

که میدانید شما چیزی نبودید و خداوند شما را زنده گردانید و حیات به شما بخشید و پس از آن هم شما را خواهد میرانید و پس از

ان مجدداً زنده خواهد کرد که اشاره به دوران برزخ است و پس از آن روز قیامت خواهد بود و به سوی خداوند بازگشت خواهید کرد.

در زمینه کفر البته میدانید در این آیه اشاره به کفر نسبت به خداوند دارد کَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ ظاهراً آیه به واسطه کبف استفهام است اما اصطلاحاً میگویند استفهام توییحی یعنی سوال حقیقی پرسیده نشده چون خداوند می داند که چرا اینها کافر شدند و فقط به جهت توییح از آنها سوال شده است با توجه به آنچه که در وجود خودتان می یابید علت کفر شما چیست کیف تکفرون بالله البته همه میدانند که کفر به خدا منشأ همه انکارها و عصیان های دیگر است و کسی که به خدا ایمان ندارد رسول او را نمی پذیرد وصی پیغمبر را نمی پذیرد و تابع مکتب وحی نمی شود و اعتقاد به معاد ندارد و بازگشت جسمی را انکار می کند پس تمام کفریات بازگشتش به کفر به خداست!

و اما در زمینه مسئله موت و حیات که یک مسئله علمی است و این مبحث مربوط به حوزویان و عزیزان طلبه است! برخی معتقدند که حیات امر وجودی است و موت امر عدمی است پس در واقع تقابل بین موت و حیات، تقابل ملکه و عدم ملکه است البته ظاهر آیات خلاف این مطلب را میفرماید چرا که ظاهر آیات می فهماند که بین موت و حیات تضاد است و تضاد در بین دو امر وجودی است البته این اختلاف فقها و متکلمین با فلاسفه هست حتی در موضوعی مثل خیر و شر همینطور است و علما خیر و شر را با توجه به آیات و روایات وجودی می دانند و فلاسفه خیر را وجودی و شر را عدمی میدانند در این زمینه علماب بسیاری کتب اعتقادی نوشتند مثل مرحوم آیت الله طیب که کتاب اعتقادی کلم الطیب را نگاشته است و به این امور اشاره دارد و جمع بین هر دو نظریه کرده است و فرموده است بستگی دارد که ما حیات را چگونه معنا کنیم اگر منظور از حیات، حیات مادی و نباتی باشد تقابل بین حیات و موت ملکه و عدم ملکه است یعنی مرگ نابود کننده این زندگی مادی و حیات نباتی است اما اگر حیات را ما حیات انسانی و روحی بدانیم دیگر حیات روحی انسان با مرگ تمام نمی شود بلکه مسئله مرگ حرکت از نشئه ای به نشئه ی دیگر است و در واقع مرگ هم امر وجودی است یعنی یک حرکت و انتقال از عالمی به عالم دیگر پس در این صورت مرگ امر عدمی نخواهد بود و تقابل این دو ضدین خواهد بود در آیات هم به همین نتیجه میرسیم فرموده است

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ (ملک ۲) یعنی خداوند هم موت را خلق کرده و هم حیات را!! اگر مسئله موت امر عدمی بود کلمه خلق برای او به کار نمی رفت.

در جای دیگر فرموده است حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدِكُمُ الْمَوْتُ (انعام ۶۱) اشاره به این دارد که مرگ یک امر وجودی است و برای امر عدمی کلمه جاء به کار نمی رود و آمدن مرگ نشان دهنده وجودی بودن مرگ است پس با توجه به آیات و با توجه به اینکه حیات را حیات انسانی بگیریم نه حیات نباتی به نتیجه می رسیم که مرگ امر عدمی نیست و امر وجودی است و تقابل بین حیات و موت ضدین است! به همین مقدار از این بحث بسنده میکنیم و مجال این بحث اینجا نیست.

در ادامه فرموده است (وَكُنْتُمْ أَهْوَاتًا) که اشاره به انتقال از یک عالم به عالم دیگر است و از نشئه ای به نشئه دیگر و نشان دهنده این است که انسان ها ابتدائاً حیات مادی نداشتند و از نظر جسمی و ظاهری حضور نداشتند و به صورت ژن هایی بودند پشت آبائشان (فَأَحْيَاكُمْ) و خداوند به آنان جان بخشید و روح عنایت کرد و انسان ها پا به عرصه وجود نهادند این توضیحی برای کلمه موت اول در آیه است (فَأَحْيَاكُمْ) خدا حیات نباتی به انسان بخشید و اگر انگونه ندانیم این مطلب را می رساند که انسانها قبل از تولدشان حیاتی دیگر نداشتند در حالی که همه میدانیم که انسانها قبل از وجود مادیشان عوالم دیگری را گذرانده اند، عالم ارواح، عالم اظله و اشباح، عالم ذر که ارواح عوالم و دوران ها را گذرانده اند و دارای حیات انسانی بوده اند و دارای حیات مادی و نباتی نبودند که با تولدشان دارای این حیات مادی میشوند و پا به عرصه وجود می گذارند و حیات اول در ایه حیات مادی و نباتی است (ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ) مسئله مرگ است که همه انسانها به آن اقرار دارند (ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) بعد از چشاندن

مرگ شمارا زنده میکند اشاره به مسئله قیامت و به قول بعضی اشاره به مسئله رجعت است که پس از دست دادن حیات مادی مجدداً به این عالم برمی گردند و زندگی دنیوی دیگری را آغاز خواهند کرد حالا بحث رجعت هم بحث بسیار مفصل و زیبایی است و زیاد در مورد این بحث کار و تحقیق نشده است و در اصل مسئله علما بحث کردند تا در مقابل اهل سنت که منکر رجعت هستند پاسخ دهند و رجعت از اصول و مبانی فکری تشیع و از ضروریات این مکتب است که در اصل رجعت بسیار زحمت کشیده اند و در فروع و مسائل دیگرش وارد تحقیق زیادی نشدند البته اشاره کرده اند که رجعت قبل از ظهور امام زمان اتفاق خواهد افتاد که عده ای و به قولی همگی برخواهند گشت و در این دنیا باز زندگی مجددی خواهند داشت برای آنکه بدانند خداوند برای متقیان عاقبت خیری هم در این دنیا و هم در آخرت قرار داده است (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۱۲۸ اعراف) روزی خواهد رسید که تمام مردمی که در دنیا اهل ایمان بودند و به خاطر ایمانشان بهره ای کافی از دنیا نبردند و در دنیا زجر کشیدند روزی خواهد رسید که در این دنیا زیر سایه اهل بیت معصومین علیهم السلام بهره کافی را خواهند برد و این نیست که انسانهای متقی امرشان موکول به قیامت خواهد شد خیر در همین دنیا هم از نعم دنیوی بهره ای وافر خواهند برد از طرف دیگر هم انسانهای فاسد کفار و مشرکین اینگونه نیست که امرشان فقط به آخرت موکول شود بلکه در حکومت اهل بیت آنان هم رجعت کرده و به مجازات اعمالشان خواهند رسید و همه ما معتقدیم که امام عصر ارواحنا له الفداء بعد از ظهور مبارکشان آن دونفر را از کنار پیغمبر بیرون خواهند کشید و آنان را به سزای اعمالشان خواهند رساند و آن مخدره را هم به خاطر اذیت ها و آزارها و تهمتهایی که زده است و جسارتهایش به پیامبر اکرم و جنگ و کشتار شیعیان و شمشیر بر امام علی علیه السلام کشیدن، مجازات و شلاق خواهند زد و بزرگان از منافقین و کفار را هم همینطور غیر از آخرت در همین دنیا به سزای اعمالشان خواهند رسید.

پس خداوند به انسانها که حیات اولیه و نباتی نداشتند به آنان حیات را عنایت می کند پس از آن با مرگ از دنیا خواهند رفت و سپس زنده خواهند کرد (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) و پس از مسئله رجعت مسئله قیامت بریاست که (نَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۱۵۶ بقره) باز گشت همه بسوی خداست! قیامت برای انسانها برپا خواهد شد از نیستی به دیار وجود پس از آن عالم مرگ و برزخ پس از آن حیات مجدد و سپس معاد و بعد دنیای آخرت با توجه به همه اینها چگونه خدا را منکر میشوند نکات زیبایی را بعضی بزرگان فرمودند که در این آیه سه تا دلیل بیان شده است دلیل اول حسی و وجدانی است و دلیل دوم برهانی است و سومی دینی قرآنی است.

مطلب اول حسی وجدانی است یعنی خداوند به کفار اشاره میکند که مگر خودتان احساس نمیکنید که نبودید و سپس خداوند به شما حیات بخشیده است و همه ما میدانیم که زمانی نبودیم و بعد حیات یافتیم و پا به عرصه دنیا نهادیم که هرروز در دنیا شاهدیم که عده ای به دنیا می آیند و عده ای از دنیا میروند و این یک امر حسی وجدانی است.

مسئله دیگر عقلی و غیبی و برهانی است که آن مسئله مرگ و پس از مرگ است که انسانها میدانند میمیرند ولی از لحاظ حسی بعد از مرگ را نمیتوانند تشخیص و احساس کنند و خداوند اشاره به مسئله برزخ میکند و پس از آن مسئله معاد و قیامت که عقلی و برهانی است و در مجموع خداوند اشاره قرآنی به امر معاد دارد که مسئله ثبوت عالم برزخ است و وقایع پس از موت تا وقوع قیامت و بازگشت خلایق به خداوند تبارک و تعالی است.

فرق بین حیات اول و حیات دوم این است که حیات اولی پس از مرگ خواهیم داشت حیاتی است که فقط روح ما زنده است و البته بعضی گفته اند پس از مدتی یا در شب اول قبر روح به جسم برمیگردد و عده ای هم این قول را نپذیرفته اند و اشکال کردند و گفته اند اگر پس از مدتی قبر را بشکافیم یا دوربینی در قبر بگذاریم هیچ حرکت و عکس العملی دیده نخواهد شد پس چگونه روح دوباره به جسم باز گردد و این مطلب است اختلافی و موضوع بحث ما نیست اما در برزخ آن جسم دیگر برنمیگردد بلکه روح است که به یک قالب مثالی برمیگردد و با آن قالب مثالی اگر انسان مومنی بوده لذت های عالم برزخ را خواهد چشید و اگر انسان

بدی بوده است در برزخ هم دچار عذاب خواهد شد اما حیات اخروی و مساله معاد انسانها طبق صریح آیات قرآن دوباره آن روح به همان جسم ملحق خواهد شد و همان جسمی که در دنیا داشته است و گفته میشود معاد جسمانی عنصری که از معتقدات شیعه است و برخی از شخصیت‌های اهل معقول و فلسفه اینها معتقدند در قیامت هم قالب مثالی خواهد بود و روح هم یک جسمی مانند جسم دنیوی خواهد ساخت که البته این نظر مخالف صریح آیات قرآنی و روایات است (بلی قادِرینَ عَلیٰ اَنْ نُّسَوِّیَ بِنَاثَهٗ ۴ قیامت) ما قادر خواهیم بود که حتی بند انگشتان را هم باز گردانیم اما فلاسفه و اهل معقولات گفته اند که از لحاظ علمی این موضوع قابل برگشت نیست که این ادعا مطلب بسیار غلطی است که از انحرافات اعتقادی است البته بعضی از اینها انسانهای منصفی بودند مثل بوعلی سینا که او اعلام میکند من از لحاظ عقلی و براهین علمی نتوانستم برگشت همین جسم عنصری را ثابت کنم اما چون صادق مصدق پیامبر گرامی اسلام فرموده است معاد جسمانی است تعبداً میپذیرم اما عده دیگری مثل ملاصدرای شیرازی صریح اعلام میکنند که معاد جسمانی عنصری در قیامت نخواهد بود و جسم دیگری برای انسان خواهد بود و در قالب مثالی است و کاری به روایات و آیات صریح در معاد جسمانی ندارد یا آنها را توجیه میکند خدا میفرماید (مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۷۹-۷۸ یس) ای پیغمبر اگر از تو سوال کردند که خدا چگونه استخوانهای خاکستر شده را زنده خواهد کرد؟ بگو: کسی آنها را زنده می‌کند که در آغاز بیافریده است، چه کسی شما را از نیستی وجود بخشید هم او قادر است که جسم پوسیده شما را به همین شکل خلق کند. که از طریق علمی هم این مسئله ثابت شده است که در مسئله DNI هم به آن اشاره شده است

امام صادق علیه السلام فرمودند: وَ رُوِيَ عَنْ عَمَارِ السَّابَاطِيِّ أَنَّهُ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَيِّتِ هَلْ يَبْلَى جَسَدُهُ فَقَالَ نَعَمْ حَتَّى لَا يَبْقَى لَحْمٌ وَ لَمَّا عَظْمٌ إِلَّا طَيَّبْتَهُ الَّتِي خُلِقَ مِنْهَا فَأَنْهَوْا لَمَّا تَبَلَى فِي الْقَبْرِ مُسْتَدِيرَةٌ حَتَّى يُخْلَقَ مِنْهَا كَمَا خُلِقَ أَوَّلَ مَرَّةٍ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص: ۱۹۲- الکافی (ط - دارالحديث)، ج ۵، ص: ۶۱۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: از هر موجودی چیزی باقی خواهد ماند به عنوان مستدیره که مستدیره یعنی چیزی که شکل هزیولی (فتری شکل و گرد) دارد امروزه اگر عکسهایی که توسط میکروسکوپ های قوی از DNI انسانها گرفته شده است ملاحظه کنید می بینید دقیقاً به شکل مستدیره است یعنی همان چیزی که امام صادق به آن اشاره فرموده بودند که جذب جایی نخواهد شد و هنگامی که اسرافیل در صور می دمدم این مستدیره ها از لانه های پرندگان هم که شده است اینها را بهم ملحق کند و همانگونه که شکل مادی بود برخواهد گشت و روح در او حلول خواهد کرد و انسان با همان جسم مادی و روح انسانی خود برانگیخته خواهد شد و اینجا هم در این آیه اشاره شده است به عدم اولیه و حیات اولیه و موت و رجعت و معاد جسمانی را (وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) و همچنین (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و این بحث مفصل است و در این مجال کم فرصت بیان نیست و به همین مختصر کافی باشد!

در ادامه آیات خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ((هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۲۹) اوست آن خدایی که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید، سپس آفرینش آسمان را [که به صورت ماده‌ای دود مانند بود] اراده کرد و آن را به شکل هفت آسمان [همراه با نظامی استوار] درست و نیکو قرار داد و او به همه چیز داناست و بر اساس حکمتش خلق فرموده است.

خداوند باری تعالی فرموده است (خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) آنچه که آفریدیم برای منفعت بردن انسانهاست که تقدم لکم افاده حصر میکند فقط و فقط برای انسانها خلق شده است و برای موجود دیگری این مخلوقات را خلق نکردیم! و خدا منت بر سر ما نهاده است که این همه نعم موجود که قابل شمارش نیستند از حیوانات و نباتات همه را خدا برای انسانها خلق فرموده است. خدا به دو گونه انتفاع در این آیه اشاره میکند یعنی اعم از آنچه که خدا برای ما خلق فرموده است یک انتفاع مادی که همین انتفاع

از گوشت و پوست حیوانات و استفاده از چوب و سبزی گیاهان و درختان و ارتفاع از جو زمین برای تنفس و ادامه حیات و زندگی توسط آبها و کلا منافع مادی از موجودات است. دیگری انتفاعات معنوی است که نکته ظریفی است و اشیا و موجودات فقط نفع مادی ندارد و منفعت معنوی هم دارد مثل شتر که دهها منفعت مادی دارد استفاده از گوشتش و شیرش میکند و برای انسان بارکشی می کند و دهها استفاده مادی دیگر و اما استفاده معنوی دیگر (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۱۷) برو به شتر بنگر که توحید را میتوانی درک کنی

پس (از آن مردم را بفکر و اندیشه در مخلوقات عجیبه و آفریده شده‌های شگفت آور امر نموده تا آنها را بر قدرت و توانایی و توحید و یگانه دانستن و اعاده و بازگردانیدن او «جلّ شأنه» دلیل آورند، میفرماید:) آیا (منکرین معاد و کسانی که روز بازگشت را باور ندارند) شتر را نمینگرند که چگونه آفریده شده؟ (که با این بزرگی رام کودکی میگردد، و تا ده روز و بیشتر میتواند آب نیاشامد، و از گوشت، پوست، شیر و کرک آن سود برند و پاها و لب وی چه خصوصیتی دارد که هر چه دقت کنی اعجاب خلقت خدا و قدرت وی به حیرت و امیدارمان. ما خار را نمی توانیم در دستمان فشار دهیم که منجر به زخمی شدن و خون آلودگی میگردد چه برسد به لب و دهان که لطیف تر است اما شتر به واسطه خارهایی که در بیابان است متنعم میشود و آن خارها را به راحتی می بلعد و گلو و لب و دهان شتر زخم نمی گردد حالا انسان باید پی به قادر بودن خدا شود و در خلقت شتر در حیرت بسر ببرد چه پاهایی خلق کرده است که در این ماسه ها و شن های روان حرکت میکند که هر موجود دیگری به سختی میتواند حرکت کند و با وجود کوهان میتواند مدت زیادی بدون غذا و آب تحمل کند که حیوانات دیگر این توان را ندارند که بتوانند اینگونه حتی در بیابانها خدمت به انسان کنند اینها استفاده مادی دارند و البته استفاده معنوی که پی به وجود خدا و قدرت و حکمت او خواهیم برد

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

این آفرینش خداست و همه را برای ما با قدرت و حکمت خلق کرده است و برای اینکه بعضی شبهه دارند که بعضی از حیوانات چه نفعی برای ما دارد پاسخ اول ما این است که ندانستن نفع موجودات به خاطر جهل و نادانی ماست مگر ما همه چیز را میدانیم و مگر علم پیشرفت کرده که خواص همه چیز را بداند. شخصی در قدیم در کاروانسرای بین راه سوسکی را دیده و در ذهنش خطوط کرد که در این بیابان گرم و بی آب و علف چرا این سوسک خلق شده و حکمت خلقتش چیست بعد از آن مسافرت به بیماری بدی مبتلا شد و دملی در پایش پدید آمد و اطبا از درمانش عاجز شدند که مدتی بعد خبردار شد طیب حاذقی در آن حوال آمده و بعد از حضور نسخه ای به او داده شد که باید سوسکی را خاکستر کرده با روغن و ... بر روی جراحت بگذارد که آن موقع یکی از حکمتهای خلقت آن نوع سوسک را فهمید (به حیوة الحیوان دمیری رجوع شود)

ما از علم به یک حرفش هم نرسیدیم دیگر چه برسد به فهمیدن اسرار خلقت

پاسخ دیگر اینکه بعضی منافع موجودات ممکن است مستقیم نباشد و با واسطه تاثیر در زندگی و دنیای ما داشته باشد البته که ماهیان دریاها که باید در تور انسانها بیافتند و خوراک انسان شوند آنها هم نیاز به خوراک دارند و ممکن است خوراک ماهیان، مستقیم به نفع ما نباشد اما به واسطه مورد استفاده ماست و اگر ما درک نمیکنیم نباید منکر خاصیت موجودات شویم و به فرض که هیچ منفعت مادی نداشته باشند خلقتشان برای انسانها استفاده معنوی خواهد داشت و اگر انسانها با دقت مخلوقات خدا را بنگرند واقعا توحیدشان کامل خواهد شد و هیچ دانشمندی روی این کره زمین نیست که با علم و تدبیر در پدیده ها منکر خدا باشد. خداوند همین چشمی که در کاسه سر ما قرار داده که پزشکان متخصص میگویند اسراری در چشم ما قرار دارد که ما از آن مطلع نیستیم و ما هنوز از وجود خودمان سردر نیاوردیم دیگه چه برسد به باقی موجودات.

حیرت آورتر اینکه متخصصان مغز معترفند که ذره ای از اسرار مغز را میدانند و بسیاری از رازهای مغز خبری ندارند و نمیدانند

سلولهای مغز چگونه کار میکنند؟ چگونه فرمان میدهد چگونه اطلاعات و علوم را نگه میدارد و هزاران هزار سوال که انسان در مورد وجود خود دارد و پاسخ علمی ندارد و هاله ای از ابهام باقی است

البتة طغیان انسان زیاد است و وقتی ذره ای چیز دانست فکر میکند میتواند در برابر خدا بایستد کلاً إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ - أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَبَ (۶-۷) و این چیزی است که روشنفکران به جوانان ما القا میکنند و اینها دچار خودبزرگ بینی شده اند و خود را عقل کل میدانند فلذا هر روز یک ایرادی به احکام الهی و مخلوقات و به عالم میگردند چرا یکی کور است و دیگری فرزندش فلج و ... از اینگونه سوالات فراوان میشود که لا تستل عما يفعل و هم یستلون خدا هرگز مورد سوال قرار نمیگیرد ما نباید از خدا سوال کنیم اگر خدا را بشناسیم سوال معنا و مفهوم ندارد و اگر سوال میکنیم برای این است که خدا را به خوبی شناختیم و باید همه چیز را از خدا بدانیم و تسلیم حکمت او باشیم صلواتی عنایت کنید.

سوالات حضار در جلسه

۱- در آیه آمده است که كُنْتُمْ أَمْوَانًا فَأَحْيَكُمُ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ با فاء عطف شده و سپس با ثم یا در آیه دیگر فرموده هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ آیا فرقی دارد و معنای خاصی دارد؟

برخی گفته اند که عطف با فاء ترتیب را می رساند و با ثم ترتیب است با تاخیر بیشتر که در اینجا یعنی خلقت زمین مقدم بر خلقت آسمان است و بعضی از بزرگان فرموده اند که این تاخیر را همه جا نمی رساند انشالله فرداشب بیشتر به آن خواهیم پرداخت .

۲- كُنْتُمْ أَمْوَانًا فَأَحْيَكُمُ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اول موت مقدم است و بعد حیات چرا؟

موت اول به معنای نیستی است و طبیعی است که انسان از نیست و عدم به وجود حیوانی و نباتی رسیده و با توجه به عوالم گذشته و دقت در مطالب فوق تفهیم آیه راحت تر است که موت دوم مرگ دنیوی است که از مرحله ای به مرحله دیگر میرود که نهایتاً بعد از حیات به عالم اخروی میرود با آن توضیحات فوق ؛ است

۳- آیا آیه (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) دال بر وحدت وجود و یکی بودن ما با خدا نیست؟

بله در عقاید متصوفه هم میگویند که ما جزئی از ذات خدا هستیم که این اعتقاد باطل است و مخالف با آیات محکم و روایات متقن است در روایت آمده است که

اشعث گفت:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»! یعنی: «ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی گردیم- بقره: ۱۵۶»، پس امیر مؤمنان علیه السلام او را فرمود: آیا تاویل آن را می دانی؟ اشعث گفت:

تنها توئی پایان علم و نهایت دانش! فرمود: امّا اینکه گفتی: «إِنَّا لِلَّهِ» با این کلام به بودن خود به خواست خدا اعتراف نمودی و با گفتن: «وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به مرگ خود اقرار کردی (تحف العقول / ترجمه جعفری، ص: ۱۹۲)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

و مرد لازم است گفتن: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. یعنی: ما جمله بنده و مملوک خدائیم و بازگشت همگی ما بسوی اوست. (من لا یحضره الفقیه / ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر، ج ۱، ص: ۱۹۴) ۳- برخورد ما و وظیفه ما با شیعیانی که منکر رجعت یا معادند چگونه است؟

البته برخورد با افراد بستگی به شرایط مختلفی است اگر احساس کرد که شخص جاهلی است و به خاطر ندانستن روایات و فهم آیات اینگونه قضاوت میکند که قضیه مشخص و روشن است که باید او را خودش یا به واسطه عالم دیگری او را هدایت کند و اگر معاند است صحبت کردن راه به جای نمی برد و وظیفه مانع شدن تاثیر گذاری او بر دیگران است تا به واسطه او گمراه نشوند ضمن اینکه وجوه دیگر و مراتب دیگری هم دارد که در امر به معروف و نهی از منکر هم نیز دارای مراتب و وجوه مختلفی است ضمن اینکه بعضی از این امور مربوط به حکومتهاست که اگر حکومت‌های صالحی باشند باید با وجوه مختلف با این موارد برخورد داشته باشند و جلوی این انحرافات را بگیرند

اللهم انا نسلک و ندعوک ...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

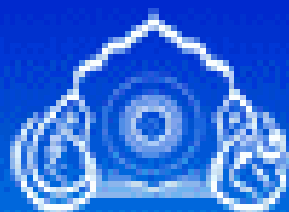
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

